

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

یونس نگاه- کابل
۲۸ فروری ۲۰۱۹



فارسی را دوست دارم

زبان مادری حق است، مثل سرزمین پدری اما بسیاری زبان‌های مادری که نقش قفس را بازی می‌کنند درست مثل مرزهای پدری که با سرنیزه و خط‌های فرضی مین‌گذاری شده زمین را به زندان‌های "اختیاری" تقسیم کرده است. کم نیستند مرزهایی که از فقر پاسبانی می‌کنند و مانع وزیدن نسیم آزادی‌های نسبی می‌شوند که آن طرف‌تر قرن‌ها جریان داشته است. کم نیستند زبان‌هایی که از شعر و ترانه و ضرب المثل و حکایت و کتاب سیم خاردار و دیوارهای بلند ساخته و نسل در نسل و گله گله آدم‌های سودائی، خیالاتی و نابینا به گورستان می‌فرستند. فارسی یکی از آن‌هاست. زبان مادری حق است، مثل حق دانستن و ندانستن. زبان مادری دوست داشتنی‌ست مثل زندان و آزادی. در روز تجلیل روز مادری بیشتر آدم‌ها از زولانه‌ها و پشتاره‌های سنگین و بازدارنده به نام میراث فرهنگی و سنت‌های قومی/ملی تجلیل می‌کنند و تعدادی هرچند محدود از امکانات رهائی و فرصت بلندپروازی‌هایی که چشم‌انداز "بی‌فرهنگی"، "بی‌میراثی" و "بی‌سنتی" پیش‌روی‌شان گذاشته است، لذت می‌برند.

من خود دوست‌دار زولانه‌دار فارسی هستم. این زبان تلخ و شیرین را که بسیار مفاهیم خوب و بد را در خود پرورده و پشتاره پشتاره عقب‌ماندگی و سودازدگی و خودشیفتگی و کم و بیش آزادی و هوشیاری و آگاهی را در ذهن ما راه داده بسیار دوست دارم. اما همیشه سر فرصت از دیوار فارسی به حویلی زبان‌های دیگر سرک می‌کشم و می‌گویم ای کاش دو زبان مادری می‌داشتم، ای کاش پنج زبان مادری می‌داشتم!